



## کاربرد

## فوت و فن اتو کشی

مرجان دهقان | روز نامه نگار



رفقا سلام!

دوست نوجوون ما، «ایلیا درینی» که اهل شهرستان جیرفته، تونسته به فینال مسابقات جهانی شطرنج دانش آموزها راه پیدا کنه. این مسابقه به‌زودی به‌صورت آنلاین برگزار میشه. برای ایلیا آرزوی موفقیت می‌کنیم. خب، شما چه خبر؟

شماره پیامک ۲۰۰۰۹۹۹  
شماره تلگرام ۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶  
تلفن تحریریه ۰۵۱۳۷۳۳۴۰۰

چهارشنبه‌ها این جا با هم «کاربرد» می‌شویم. نه این که قرار باشد شاخ غول را بشکنیم. فقط یاد می‌گیریم چطور از عهده کارهای روزمره‌مان بر بیاییم. چیزهایی مثل دوخت و دوز یا نظم دادن به اتاق که گاهی کم از شکستن شاخ غول ندارد. اگر به‌نظر تان همه کارها دخترانه و پسرانه دارند، سراغ ستون درستی آمده‌اید؛ چون این‌جا می‌فهمید این‌طوری نیست. مسئولیت‌پذیری ربطی به جنسیت ندارد و فقط با پذیرفتن این اصل می‌توانید «کاربرد» شوید.

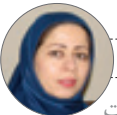
لا بد فکر می‌کنید اتو کشی که آموزش دادن نمی‌خواهد. سیم اتو را می‌زنی به برق و تمام. اما کافی است یک بار لباس مدرسه‌تان اتو نشده مانده باشد و خودتان بخواهید این کار را انجام بدهید. آن وقت است که همین کار ساده، تبدیل به هیولایی می‌شود که حاضرید بابتش خودتان را به مریضی بزنید و مدرسه نروید. حالا به‌جای نق زدن و تنبلی، بلند شوید و در اتو آب جوشیده بریزید تا لباس‌های‌تان را از چروکیدگی نجات بدهیم. اولین کار بعد از آب کردن اتو، تنظیم دماست. دمای اتو را قبل از روشن کردن، با توجه به جنس پارچه لباس، تنظیم کنید. پیشنهاد می‌کنم از کمترین دما شروع کنید و اگر لباس صاف نشد، کم‌کم درجه را بالا ببرید. اگر جنس لباس‌تان حساس باشد، با این کار از آسیب زدن به آن جلوگیری می‌کنید. بهتر است یک پارچه نازک روی لباس بیندازید یا آن را چپه کنید تا برق نیفتد. اگر چروک‌ها در برابر صاف شدن سرسختی کردند، کمی روی آن آب بپاشید. با این کار حرارت بهتر به پارچه منتقل می‌شود. خط انداختن شلوار هم از آن قسمت‌های لج‌دراور اتو کشی است ولی خب حالا که تا این‌جا کار خوب پیش رفته‌اید، کمی صبر داشته باشید. شلوار را از قسمت زپ، طوری تا کنید که دو پاچه کاملاً صاف روی هم قرار بگیرد، بعد اتو را روی خط آن بکشید.

## پرونده‌های مجهول

## موسیقی ماه، پرونده محرمانه ناسا

## چند سال پیش ناسا از فایل محرمانه‌ای پرده برداشت که حاوی موسیقی فرازمینی و رازهای جدیدی بود

فاطمه قاسمی | مترجم



همه می‌دانیم که کیهان پر از شگفتی و پدیده‌های غیرقابل توضیحی است که دانشمندان سخت به دنبال یافتن پاسخی برای آن‌ها هستند. یکی از ترندهای آنلاین چند سال اخیر، ماجرای صدا و متن پیاده‌سازی شده از مکالمات سرنشینان ماموریت آپولو ۱۰ بود که ناسا آن را منتشر نکرده بود و پس از مدتی از حالت محرمانه درآمد. در این پرونده به ماجرای این فایل عجیب می‌پردازیم.

## جدال بر سر پنهانکاری یا افشا

در سال ۲۰۰۸ فیلمی در فضای مجازی منتشر و بسیار پر بیننده شد و خبرش آن چنان همه را شگفت زده کرد که آن را ساختگی فرض کردند. در این فیلم ادعا شد که ناسا فایل صوتی حاوی صدایی مرموز و فرازمینی را به مدت ۴۰ سال مخفی نگه داشته است. داستان از این قرار است که در سال ۱۹۶۹ میلادی، فضانوردان آپولو ۱۰ بعد از فرود روی ماه و در زمان بازگشت به زمین، یعنی در ست در لحظه‌ای که ارتباط رادیویی شان با زمین قطع می‌شود، صدای ممتدی می‌شنوند. در فایل پیاده‌سازی شده از مکالمات خدمه که توسط دستگاه ضبط صدا در کیسول فرماندهی ثبت شده است، افراد از شنیدن صدای سوتی حرف می‌زنند و آن را «موسیقی فضایی» می‌نامند. در بخشی از مکالمات ضبط شده این بحث میان‌شان در می‌گیرد که وقتی به زمین رسیدند، حرفی از آن صداها به میان بیاورند یا خیر!

## موسیقی فضایی یا پارانیت رادیویی؟

با انتشار این فایل، افراد زیادی دولت آمریکا را به دلیل این پنهانکاری سرزنش کردند اما ناسا مدعی شد که به دلیل ترس از انتشار ادعاهای غیرعلمی به ناچار این فایل را تاسا ها

## بالتازار



## هوایما چطور به پرواز در می‌آید؟

مریم ملی | روز نامه نگار علم



پرواز یک هوایما و اوج‌گیری اش در هوا همیشه از سوالاتی بوده که ذهن همه‌مان را درگیر کرده است. توضیح همه ماجراهایی که در بلند شدن جسم سنگینی مثل هوایما از روی زمین اتفاق می‌افتد، مفصل و پیچیده است ولی اگر بخواهیم خیلی کوتاه و سریع در باره‌اش بگوییم باید اول برویم سراغ همان بخشی که همیشه از پنجره هوایما دیده می‌شود؛ یعنی بال! اگر دقت کرده باشید هوایما قبل از بلند شدن چند دقیقه‌ای روی زمین دور می‌زند. در این زمان که هوایما در حال حرکت است، جریان هوا در بالا و پایین بال حرکت می‌کند و از آن جایی که مساحت روی بال بیش از زیر بال است سرعت هوا از روی بال بیشتر از زیر بال است. بر اساس یکی از قوانین فیزیک این سرعت بیشتر هوا در قسمت روی بال باعث می‌شود فشار درون آن کم و فشار زیر بال بیشتر بشود. حالا اگر گفتید این فشار به

## دیدنی

## چیزهایی که نمی‌دونی!



عکس از: Jim Picot

## کوسه‌ای در قلب ماهی‌ها

## خودت بساز

## سیمان؛ سرد و سخت اما دوست داشتنی



مهسا فارسی | روز نامه نگار

نمی‌دانم با سیمان و دست‌سازهای سیمانی آشنایی دارید یا نه. این هفته قرار است شما را با این متر یال سفت و سخت آشنا کنم. همان‌طور که می‌دانید از سیمان، انواع بتن و ملات ساختمان‌سازی تهیه می‌شود اما با همین ماده می‌شود دست‌سازهای زیبا و دکوراتیو هم ساخت؛ مثل یک گلدان هنرمندانه.

● همه‌آن‌چه نیاز دارید: مقداری سیمان، ظرفی برای مخلوط کردن سیمان و آب، بیله یا باغیانی یا وسیله‌ای مشابه، دو عدد قالب پلاستیکی یا مقوایی، ماسک و دستکش

سیمان را می‌توانید از مصالح‌فروشی‌ها تهیه کنید. این روزها در هر کوچه، خانه‌ای در حال ساخت یا بازسازی پیدای می‌شود. اگر همسایه‌تان را می‌شناسید، می‌توانید سری بزنید و مقداری سیمان از آن‌ها بخواهید. برای ساخت گلدان به دو عدد قالب نیاز دارید که می‌تواند لیوان و ظرف پلاستیکی یک بار مصرف باشد یا پکت مقوایی دور ریختنی. در ظرفی جداگانه سیمان و آب را با نسبت یک به دو مخلوط کنید (دو پیمانه سیمان و یک پیمانه آب) و تا زمانی که مخلوط یک‌دستی ایجاد شود، به هم زدن ادامه دهید. در این مرحله حتماً ماسک بزنید و از دستکش استفاده کنید. قالب را کمی چرب کنید تا بعداً سیمان به راحتی از آن جدا شود. حالا قالب اولی را تا دوسوم از مخلوط پر کنید و قالب دومی را روی آن قرار بدهید. جسم سنگینی مانند سنگ درون قالب دوم بریزید تا سنگین شود و پایین



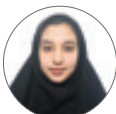
برود. بقیه مخلوط را به قالب اضافه کنید و کنار بگذارید. بعد از ۲۴ ساعت می‌توانید ظرف سیمانی را از قالب جدا کنید. گلدان شما آماده است. اگر در گوشه و کنار آن قسمت‌های تیزی وجود دارد می‌توانید با کاغذ سنباده آن‌ها را نرم و صاف کنید.

✓ این آموزش نکته‌هایی دارد که نمی‌شد نمایش را در این ستون بگنجانم. اگر علاقه‌مند بودید یا در دست کردن آن سوال یا مشکلی داشتید پیامک بزنید.

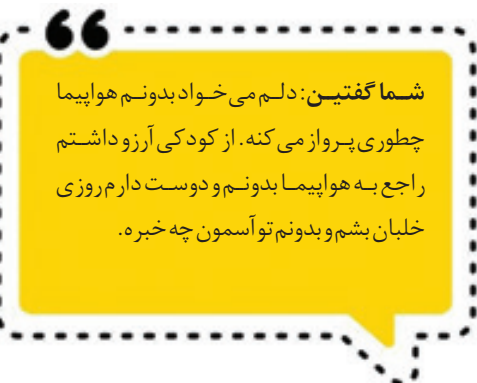
## آثار شما

## هیولای آشپز خانه

رحانه رضائی تیموری | ۱۵ ساله



پاروی پا گذاشته و روی زمین، جلوی تلویزیون لم داده بودم. مسابقه والیبال ایران و روسیه را تماشا می‌کردم. بازی قشنگی بود. هم‌زمان با دیدن بازی، تخمه هم می‌شکستم و بی‌حواس پوست تخمه‌ها را روی گل‌های قالی می‌ریختم. گل‌های قالی با رنگ‌های سبز و قرمز و با نقش‌های ریز و درشت، زیر تل پوست تخمه‌ها دفن شده بود. بازی به امتیازهای پایانی نزدیک می‌شد. آخر بازی بود که صدای داد و فریاد خواهرم بلند شد. از جاپردیم، گمان کردم اتفاقی افتاده است. خودم را به آشپزخانه رساندم. خواهرم انگار که جن دیده باشد، متعجب و باترس و لرز به گوشه آشپزخانه نگاه می‌کرد. پرسیدم چی شده؟ با تپه‌پته به گوشه آشپزخانه اشاره کرد. چشم‌های خواهرم از حقه در آمده بود اما اشک‌ها جرئت حرکت نداشتند. صورتش رنگ کاشی‌های آشپزخانه شده بود. فکر کردم لابد دزد آمده. چاقورا برداشتم و به همان طرفی رفتم که خواهرم زل زده بود. چیزی آن‌جا نبود. گفتم حتماً زیر کابینت مخفی شده است. خم شدم. زیر کابینت سیاه‌سیاه بود، مثل روی گناهکاران. از مادرم تلفن همراه خواستم. گوشی رنگ و رو رفته‌ام را آورد. چراغ‌قوه‌اش را روشن کردم. زیر کابینت راوارسی کردم. جانور صغیرالجنه‌ای را دیدم با بینی قرمز و چشم‌های قهوه‌ای که ترس از سرو رویش می‌بارید. رنگ خاکستری و گوش‌های لاله‌ای و دم درازش توجه‌م را جلب کرد. خنده‌ام گرفت. همان جادرازش کشیدم و دم‌زیر خنده. پدرم در آن شرایط تحمل خنده مرانداشت. با عصبانیت گوشی را از من گرفت و نگاهی به زیر کابینت انداخت. او هم مثل من خنده‌اش گرفت. یک موش کوچک، زل زده بود به ما و باورش نمی‌شد از دیدنش آن همه ترسیده باشیم.



جاذبه زمین غلبه کند و هوایما را به سمت بالا ببرد. برای این که بفهمید زیر بال هوایما چه اتفاقی رخ می‌دهد، تجسم کنید در یک ایستگاه راه‌آهن ایستاده‌اید و قطار با سرعت از کنار شما رد می‌شود. در این هنگام وقتی قطار از کنار شما می‌گذرد حسی همانند مکش هوای جاروبرقی وجود دارد که شما را به سمت خود می‌کشد. این یک جریان حلقوی هواست که احساسش می‌کنید و دقیقاً همین حالت در هوایما هم رخ می‌دهد اما با شدت بیشتر و شرایط کمی متفاوت‌تر. موتور هوایما هم‌زمان با تمام این مراحل روشن است و در ست مثل موتور خودرو کار می‌کند که سوختی مثل بنزین می‌سوزاند و حرارت و انرژی تولید و انرژی‌های مورد نیاز قطعات و بخش‌های مختلف را تامین می‌کند. بعد از بلند شدن هوایما از روی زمین بقیه ماجرا به دست خلبان و کمک خلبان انجام می‌شود. خلبان هوایما را در سه محور مختلف با هر م‌هایی که در کابین خلبانی در اختیار دارد، حرکت می‌دهد.

چه دردی می‌خورد؟ این فشار همان چیزی است که نیرویی ایجاد می‌کند که می‌تواند بر



آرما دیلو تنها پستاندار زنده‌ای است که پوسته دارد.



۱۰۶ نفر در آمریکا اسم‌شان «هری پاتر» است.



سنجاب‌های بالغ، بچه سنجاب‌های را به فرزندنی قبول می‌کنند.



پاستیل کرمی، به‌عنوان طعمه ماهی استفاده می‌شود.